

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال اول ۹۵-۹۴
رشته فقه ورودی مهر ۹۴

مهر مدرسه

کد آزمون:	۳۹۴۱/۱۰
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۶
عنوان:	اصول فقه ۱
کتاب:	دروس فی علم الاصول - الحلقة الثالثة
مورد:	جزء اول: از ابتدای درس اول تا پایان درس ۳۶ (از ۱ ابتدای کتاب تا ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی) (پایان بحث مفاهیم) (ص ۱۷۸-۱۵)

ردیف:		
صورتی:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۴
نمره ضریبی:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۶
مجموع امتحان:	مجموع امتحان:	مجموع امتحان:
مجموع امتحان:	مجموع امتحان:	مجموع امتحان:
مجموع امتحان:	مجموع امتحان:	مجموع امتحان:

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

۱- شهید از اشکال عدم مانعیت تعریف علم اصول «العلم بالعناصر المشتركة لإستنباط جعل شرعی» نسبت به قواعد فقهیه چگونه جواب می‌دهد؟ ص ۱۵

۰/۵

- الف. قاعده فقهی در طریق استنباط نیازمند قاعده دیگری است.
- ب. قاعده فقهی کبرای قیاس استنباط واقع نمی‌شود.
- ج. قاعده فقهی از عناصر مشترکه نمی‌باشد.
- د. مراد از جعل شرعی در تعریف کلی است.

۲- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام گزینه درباره «مبادی احکام ظاهری» صحیح است؟ ص ۳۳ س ۱۰ س ۱۵

۰/۵

- الف. مصلحت خود جعل
- ب. مصلحت اعتبار حجیت
- ج. همان مبادی احکام واقعی
- د. مصلحت سلوک طبق اماره

۳- کدام مثال اشاره به «قطع ذاتی» دارد؟ ص ۶۱

۰/۵

- الف. قطعی که از خبر ظنی حاصل می‌شود.
- ب. قطعی که از خبر متواتر حاصل می‌شود.
- ج. قطعی که مطابق واقع نمی‌باشد.
- د. قطعی که مطابق واقع است.

۴- آیا شارع می‌تواند حجیت «دلیل قطعی» را ابطال کند؟ ص ۸۵

۰/۵

- الف. بله - با تبدیل قطع طریقی به موضوعی
- ب. بله - بوسیله سلب حجیت از قطع
- ج. خیر - زیرا حجیت قطع ذاتی است.
- د. خیر - زیرا موجب لغویت می‌شود.

۵- تقابل بین «اطلاق و تقیید» در مرحله اثبات چه نوع تقابلی است؟ ص ۱۳۴

۰/۵

- الف. تضاد
- ب. تناقض
- ج. تضایف
- د. ملکه و عدم

۶- به نظر شهید صدر (ره) شمولیت نکره در سیاق نفی بر چه اساسی می‌تواند صحیح باشد؟ ص ۱۵۶

۰/۵

- الف. انعدام نکره با ترک همه افراد طبیعت
- ب. اجراء قرینه حکمت در خود نکره
- ج. استفاده اطلاق از سیاق نفی
- د. بر اساس دلالت عقل

۷- شبهه لغویت جعل استقلالی احکام وضعیه‌ای که موضوع حکم تکلیفی قرار می‌گیرند را بیان کنید و با توجه به عبارت «أن الأحكام الوضعية التي تعود الى القسم الأول اعتبارات ذات جذور عقلانية، الغرض من جعلها تنظيم الأحكام التکلیفیه و تسهیل صیاغتها التشریعیة، فلا تكون لغوا» جواب شهید از آن را تبیین نمایید. ص ۲۳ - ۲ نمره

۲

جواب: شبهه لغویت: جعل حکم وضعی بدون حکم تکلیفی (که موضوع برای آن واقع شود) اثری ندارد و با وجود این حکم تکلیفی، دیگر نیازی به حکم وضعی نیست زیرا موضوع این حکم تکلیفی می‌تواند همان موضوعی باشد که موضوع برای جعل حکم وضعی واقع شده است. (۱ نمره) شهید صدر (ره): احکام وضعی قسم اول اعتباراتی با ریشه‌های عقلایی هستند که غرض از جعل این احکام تنظیم احکام تکلیفی و تسهیل صیاغة تشریعی است در نتیجه لغو نیست. (۱ نمره)

۸- دو فرق قضیه حقیقه با خارجیّه را بنویسید. ص ۴۶ و ۴۷ - ۲ نمره

جواب: ۱. در قضیه حقیقه حکم روی طبیعت مقدره رفته است لذا در مثل «أكرم العالم» می‌توانیم دست روی هر جاهلی بگذاریم و بگوییم اگر عالم شود اکرامش واجب است، برخلاف قضیه خارجیّه که افرادش بالفعل مشخص هستند. ۲. موضوع حکم در حقیقه همواره وصفی کلی است، برخلاف خارجیّه که افراد معینی موضوع حکم قرار می‌گیرند. ۳. مسئولیت تطبیق وصف بر افراد در قضایای حقیقه بر عهده مکلف است، برخلاف خارجیّه که بر عهده خود مولی است.

۹- نظر محقق نائینی (ره) و محقق خوئی (ره) در مورد حجیت مثبتات امارات را با دلیل بررسی کنید. ص ۷۳ و ۷۴ - ۲ نمره

جواب: محقق نائینی (ره) با توجه به مبنایشان در تفسیر حکم ظاهری در امارات که مفاد دلیل حجیت اماره را جعل علمیت می‌داند پس کل آثار علم مترتب می‌شود و از شؤون علم به چیزی علم به لوازم آن چیز است از این رو مدلولات التزامی امارات را حجت می‌داند. ولی آیه الله خویی (ره) مثبتات امارات را حجت نمی‌داند، زیرا شارع با حجیت بخشیدن به امارات آن‌ها را تعبداً علم اعتبار می‌کند، لذا به مقداری که شارع ما را متعبد می‌کند اثر بر مؤدی مترتب می‌کنیم و این‌گونه نیست که مانند علم وجدانی همه لوازمش بر آن مترتب شود.

۱۰- به نظر شهید صدر (ره) چرا با وجود جزئی بودن معانی حرفیه اطلاق‌گیری از آن‌ها صحیح است؟ ص ۱۱۲ - ۱ نمره

جواب: جزئی بودن معانی حرفیه به این معنا نیست که قابل صدق بر کثیرین نباشد تا قابلیت تقیید را نداشته باشند، بلکه جزئی بودن آن به معنای اختصاصش به دو طرفش است، لذا جزئی بودن آن‌ها مانع از اطلاق‌گیری نیست.

۱۱- با توجه به عبارت «و ثالثة یكون نفس الکلام صریحاً فی تطبیق الحکم علی إحدى الحصین» قدر متیقن در مقام مخاطب را در ضمن مثال توضیح داده و نظر صاحب کفایه (ره) و شهید صدر (ره) را در مورد نقش آن در اطلاق‌گیری تبیین کنید. ص ۱۴۱ - ۲ نمره

جواب:

وقتی کلامی از مولی صادر می‌شود گاهی اوقات می‌دانیم این حکم متیقناً شامل حصه‌ای خاص می‌شود و این حصه تقیید نخورده است یقیناً، حال اگر این کشف از خود لفظ صادر از مولا باشد. مانند وقتی که بعض حصص مورد سوال واقع شود و معصوم^{علیه‌السلام} لفظ را مطلق بیان کنند که در این صورت قدر متیقن در مقام مخاطب موجود است. (۱ نمره) صاحب کفایه (ره) آن را مانع از اطلاق‌گیری می‌داند زیرا مراد متکلم مختص به قدر متیقن است اما شهید صدر (ره) مانع از اطلاق‌گیری نمی‌داند زیرا ظاهر حال متکلم این است که در مقام بیان تمام موضوع است زیرا چیزی که بر قیدیت قدر متیقن باشد در کلام موجود نیست. (۱ نمره)

۱۲- عبارت «الأول: دعوی دلالة الجملة الشرطية بالوضع علی أن الشرط علة منحصرة للجزاء، و ذلك بشهادة التبادر» را تبیین کرده، نقد شهید صدر (ره) نسبت به این دلیل را بنویسید. ص ۱۶۵ - ۲ نمره

جواب: هیئت جمله شرطیه وضع شده است برای انحصاری بودن علت شرط برای جزء، لذا در صورت انتفاء شرط جزء منتفی می‌شود. دلیل این وضع تبادر معنای انحصاری بودن علت برای جزء از هیئت جمله شرطیه است. اشکال شهید صدر (ره): لازمه چنین وضعی مجازی بودن استعمال هیئت جمله شرطیه در موردی که شرط علت منحصره برای جزء نیست، در حالی که این لازمه خلاف وجدان است و ما بالوجدان می‌بینیم چنین استعمالی حقیقی است نه مجازی.

* سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری می‌باشد:

۱۳- نظر مرحوم صاحب کفایه (ره) را در معانی حرفی «ان معنی الحرف هو نفس معنی الاسم» تبیین کرده، برهان شهید صدر (ره) را در نقد ایشان به اختصار بنویسید. ص ۹۷ - ۲ نمره

جواب: صاحب کفایه (ره) معتقدند که حروف و اسماء موازی با آن (مثلاً من و الابتداء) کاملاً معنایی مطابق با یکدیگر دارند و از لحاظ موضوع له هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و حتّی مستعمل فیہ آن‌ها نیز با یکدیگر یکسان است تنها فرقی که دارند در لحاظ ذهنی آن‌ها است که در اسماء معانی با لحاظ استقلالی لحاظ می‌شوند و در حروف معانی با لحاظ آلی لحاظ می‌شوند و اما نقد کلام صاحب کفایه علیه‌الرحمه: برهان زیر بیان کننده تغایر ذاتی معنای اسمی و حرفی است: بدون شک صورت ذهنیه در جمله «سار زید من البصره الی الکوفه» مشتمل بر معانی کاملاً مرتبط به یکدیگر می‌باشد پس باید بین اجزاء این جمله ربط موجود باشد تا سیر و زید و بصره و کوفه را به یکدیگر ربط دهد پس باید در این جمله کلماتی باشد که معانی آن‌ها ربط باشد و چون هیچ‌کدام از معانی اسمیه معنای ربطی ندارند پس حتماً باید حروف مستعمل در جمله معنای ربط داشته باشند و معنای ربطی یعنی معنای غیر مستقل و جزئی.